



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۲/۱۵

فیاض هاشم زاده

جنگ روانی حملات مدھش بر روحیة مردم ما

طی هفته های اخیر بنابر تحول اوضاع و کمی وخیم شدن جبهات محاربه و نیز حملات وحشیانه در شهر ها که عمدتاً به منظور در هم کوبیدن روحیه و مورال مردم ستمدیده ما از سوی جواسیس اجنبی به عمل می آید، نشان دهنده این واقعیت است که دشمن سخت حملات فاحش و بی رحمانه را علیه روحیه و روان افغان ها تشدید کرده است، تا با استفاده از این روحیه خورد شده در میز مذاکرات امتیاز بدست بیاورد طوری که هیأت مذاکره کننده، زیر فشار روحیه باخته مردم ما به امتیازدهی ناگزیر گردد.

چهره این جنگ چگونه است: جنگ روانی به باشندگان طرف مقابل تلقین میکند که آنان در تمام جبهات باخته اند؛ در میدان جنگ، در دفاع همه جانبه از امنیت شهر ها، در پشتیبانی از متحدان بین المللی، در جلب ممالک منطقه مبنی بر پشتیبانی از حقانیت موقف و موضع مردم مظلوم ما، در میز مذاکره، در پیش بینی های رسانه های متعلق به آزمندان جهانی، در محاسبات سیاستمداران و... در تمام این عرصه ها شکست است و باخت... جنگ روانی می خواهد در روان و روحیه مردم ته نشین نماید که دگر راهی نیست به جز تسلیم شدن به دشمن و قبولی نیرومندی و برنده بودن آن.

طراحی و به راه اندازی این نوع جنگ روانی از توانایی های آخوندی ملا های مزدور در دوحه خیلی به دور می نماید، اما دشمنان سوگند خورده افغان ها، که نیت نابودی وطن ما را در سر دارند، برای بدست آوردن اهداف شان به هر نوع جنگی متوسل میگردند، طراحان اصلی این جنگ روانی "ISI" یا دستگاه استخباراتی نظامی پاکستان است که مزدوران خود را در پیشبرد این جنگ سوق و مدیریت می نماید، البته دستگاه های استخباراتی ابر قدرت متحد پاکستان در بحران کشور ما نیز شاید برای تحقق اغراضش، به پیشبرد و تشدید این جنگ روانی بی میل نباشد زیرا دستگاه های تبلیغاتی آن برای چنین جنگی مهمات و ابزار جنگی روانی فراهم می نماید، این مهمات و ابزار همان جعل واقعیت های میدان جنگ و اشاعه اکاذیب به نفع تروریست های آخوند نما است. این دستگاه های استخباراتی و رسانه بی متعلق به آنها در میدان های این جنگ روانی به شدت مشغول اند تا مگر روحیه مردم ما را تخریب، تضعیف و سرکوب نمایند و از این راه مقاصد نظامی و سیاسی خویش را بیش از پیش توجیه پذیر سازند.

اینکه در شهر ها حملات وحشیانه، نامردانه و به دور از هر اصل و آئینی، توسط آدم کش های طالب اجرا می شود، کمی مردم ما را نگران ساخته است که جنگ روانی حاضر، موازی به آن در کشتن روحیه مردم ما نیز به فعالیت خود ادامه میدهد.

این جنگ روانی گاهی با تبلیغ هر چه دراماتیک خرابی اوضاع، با استفاده از نقاب ها، ماسک، و موضع اپوزیسیون های متنوع دولت، اعم از چپ افراطی و راست افراطی صورت میگیرد، یعنی دشمن به چهره خود نقاب همان اپوزیسیون نامبرده را به چهره میگیرد، تا ابلاغ و انتشار بر بادی، از موضع خودی مردم به عمل بیاید، در حالی که حتی اکثریت افغان های علاقمند همان روند ها به چنین نوع نگاه به شدت مخالف اند، دشمن به این طریق در عرصه بدنام کردن جناح های مختلف سیاسی کشور هم توفیق حاصل میکند و میان شان بی اتفاقی را دامن میزند.

از سوی دیگر عده ای از علاقمندان روند بالا ناآگاهانه در تبلیغ گسترده و همه جانبه اثرات حملات دشمن، سهم میگیرند و آنچه را که اشاعه آن به نفع دشمن می انجامد، مکرراً می نویسند و منتشر میکنند، که چنین اشتباهی با آرمان عام آنان در تضاد می باشد، نوشته های عریض و طویل در باب خرابی همه جانبه اوضاع و غلو نمودن در آن، بدون ارائه یک بدیل به نفع وطن و مردم ما، اثر خوبی در اوضاع کنونی ندارد، واضح است، واقعیت های جنگی فعلی که به روحیه مردم ما صدمه نزنند و روحیه عساکر ما در جبهات را تقویت ببخشند، همسویی با تبلیغات دشمن نخواهد داشت. اگر در نشرات به این نکات توجه نه شود، عده ای از درون مردم ما ناآگاهانه با تبلیغات دشمن در همسویی قرار خواهد گرفت.

یک عده افراد متعلق به تمایلات شاخه پرچم حزب دموکراتیک دیروزی، در این پروسه در همکوبی مورال مردم ما نیز سهم گرفته اند، این افراد حق ندارند بگویند که در سهم گیری شان در کنار دشمنان در تبلیغ وسیع ضد وطن و مردم ما به

اشتباه رفته اند، زیرا این ها در تباهی وطن ما حالا، مکرر اند و نشان میدهند که هنوز دل شان در تباه ساختن کشور یخ نکرده است.

باید به خاطر داشته باشیم که افغانستان لقمه نر می نیست که هر قدرتی به آسانی آنرا قورت دهد، ما عوامل، شرایط، امکانات و زمینه های متعددی نیز در اختیار داریم که وطن و مردم ما برای نگه داری خویش آنها را در نظر گیرند؛ حوادث اخیر مردم شریف ما را بیش از پیش متوجه متحد بودن شان ساخته است که به نیرومندی آنان می افزاید، تحولات داخلی ایالات متحده نیز چندان به نفع طالب نیست، کشور های منطقه ما ، به جز یکی دوی آن، خواهان یک نظام غیر دموکراتیک و ایدئولوژیک در کشور ما نیستند، به نفع منافع منطقوی هند نیست که یک دولت متحد پاکستان در کشور ما برقرار شود، اروپا از قبل اعلام نموده که نظام طالبانی را به رسمیت نمی شناسد، دنیا در طی دهه های اخیر عواقب برقراری چنین نظام های را در گوشه و کنار منطقه دیده و میداند، که در نهایت چه مصائبی در عقب برقراری چنین نظام های به راه خواهد افتاد، تحولات داخلی میان مردم پاکستان حاکی از آن است که سیاست های حمایتی دولت پاکستان از تروریست ها، دگر مورد تنفر پاکستانی هاست و اسباب متعدد دیگر.

در جبهات جنگی هر روز ده ها طالب و تروریست در کنار بعضی از نظامیان پاکستانی کشته و محو میگردند، مناطقی که چند سالی نزد طالب ها بود از دست شان برون می شود، عساکر قوای مسلح دولت، ولو با امکانات محدود، مردانه از وطن دفاع می نمایند، طالب در میز مذاکرات طرح و سخنی ندارد، فقط با حربه و وسیله قتل انسان ها می خواهد صاحب امتیاز گردد، اما مثل توت در جبهات تکانده می شود. طالب به ایجاد وحشت و دهشت در شهر ها و کشتن هموطنان بیگناه، معصوم و مظلوم ما به وقاحت کامل زورنمایی میکند، این طلب ها مانند روبای محیل و ترسو می آیند ضربه ناجوانمردانه خود را میزنند و فرار میکنند، واضح است، جلوگیری از این تاکتیک مستلزم باخبری گسترده و ترصد وسیع شهرها می باشد.

ولی مردم ما روز تا روز به توانای های پنهان خویش آگاه می شوند و روحیه قوی خویش را حفظ میکنند، مردم ما و قوای مسلح وطن دارای آگاهی و تجارب ارزشمندی است که در اوضاع کنونی به درد بخور می باشد. نباید گذاشت که به روحیه و روان مردم ما صدمه زده شود این صدمات به نفع دشمن می انجامد. والسلام

پایان